

حاسبوا قبل ان تحاسبوا

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

حاسبوا ان تحاسبوا//1

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله

پروردگار جهانیان است و عاقبت

برای پرهیزگاران است و دشمنی

وجود ندارد، مگر با ظالمان. صلوات

و سلام بسیار می فرستم بر کسی که

برای رحمتی بر جهانیان مبعوث گشته

است و بر آل و اصحاب و کسانی که

2// حسابوا ان تحاسبوا

تا روز قیامت در نیکی از آنها تبعیت می‌کنند. اما بعد:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا

أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ * وَأَنْفِقُوا مِنْ

مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ

الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ

أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنْ

حاسبوا ان تحاسبوا//3

الصَّالِحِينَ * وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا
جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

[المنافقون: 9 - 11] (ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، مالهایتان و فرزندانان

شما را از یاد الله غافل نسازد و کسی

که این گونه رفتار نماید از زیانکاران

است * و از آنچه به شما روزی

داده‌ایم انفاق کنید، قبل از آن که مرگ

به سراغ یکی از شما بیلید و [آن

شخص] بگوید: «پروردگارا! چه می-

شود، زمان مرگ مرا کمی عقب

4// حاسبوا ان تحاسبوا

بیاندازی و صدقه بدهم و از صالحان
شوم» * و هرگز الله اجل کسی را
وقتی به وقوع می پیوندد عقب نمی -
اندازد و الله از آنچه انجام می دهد،
آگاه است).

ای برادره در راه الله:

کسی که با چشم بصیرت به دنیا
بنگردد، یقین حاصل
می کند که نعمت آن امتحان و زندگی

حاسبوا ان تحاسبوا//5

آن پُر زحمت است و گذارن آن با سختی می باشد. اهل آن در ترسی هستند، گاهی برای نعمتی از دست رفتنی، گاهی با بلایی ناز شدنی و گاهی با مرگی حکم شدنی... بیچاره فرزند آدم، به سرزمینی راضی شده است که حلال آن حساب و کتاب دارد و حرام آن دارای مجازات می باشد، اگر حلال آن را بگیرد، مورد حساب و کتاب واقع می شود و اگر حرام آن را بگیرد، برای آن عذاب

6// حاسبوا ان تحاسبوا

می شود. کسی که در آن ثروتمند شود،
مورد فتنه واقع می شود و کسی که در
آن فقیر شود، دچار خشم و غم می -
شود. کسی که آن را دوست داشته
باشد، او را ذلیل می کند و کسی که به
آن بنگرد، او را کور می کند و مردم
درباره ی آن دو گروه هستند:

گروهی زیرک هستند و می دانند
که آن سایه ای از بین رفتنی و نعمتی

حاسبوا ان تحاسبوا//7

فنا شدنی و خوابی پریشان است، بلکه فهمیده‌اند که نعمتهای آن در نصف راه تمام می‌شود و متوجه شده‌اند که زندگی آن فنا شدنی است و راهی به سوی زندگی دائمی می‌باشد. در نتیجه به کمی آن راضی شده‌اند و به اندک آن قانع هستند و در نتیجه قلبها و بدنهای آنها راحت می‌باشد و دین آنها برایشان سالم می‌ماند و نزد الله تعالی از ستایش شدگان هستند... دنیای آنها، آنان را از اطاعت مولایشان باز

نمی‌دارد و خودشان را مشغول آن قرار نمی‌دهند و بعد از آن را هدف خود قرار می‌دهند. در این فکر هستند که بازگشتشان به کجا است و اندیشه می‌کنند که چگونه از دنیا خارج شوند، در حالی که ایمانشان برای آنها سالم بماند. آنچه که همراه آنان است در قبر نیز همراه آنها می‌باشد و آنچه را که برای وارثانشان در دنیا باقی

حاسبوا ان تحاسبوا//9

می ماند را ترک کرده اند و به دنبال چیزی نیستند که در روزی که مال و فرزند سودی نمی رساند آنها را از الله تعالی بی نیاز نمی کند. این امر را درک کرده اند و برای سفر آماده شده اند و جواب حساب و کتاب را مهیا کرده اند و برای آخرت خود توشه فراهم نموده اند ﴿خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (بهترین توشه تقوا است)...

طوبی برای آنها باشد، از ترس ایمن می شوند و نیک می کنند و

کامیاب می شوند.

گروهی دیگر، جاهل هستند و بصیرت آنها کور می باشد، در امور آن نمی نگرند و بدی حال و هوای آن را نمی فهمند، زینت آن، آنها را گرفتار نموده است و آنها را به فتنه انداخته است، جاودانگی را در آن می بینند و به آن راضی می شوند و به آن اطمینان خاطر پیدا می کنند، تا آن که آنان را از

حاسبوا ان تحاسبوا//11

الله تعالی غافل می سازد و آن را از یاد و طاعت او به خود مشغول می دارد:

﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [الحشر: 19] (الله را فراموش کردند و آنان را از خودشان غافل ساخت، آنان فاسقان هستند).

بله... آنها الله تعالی را فراموش کردند، حقوق او را پایمال نمودند و به اندازهی حق شناخت از وی، او را نشناختند و در دنیا با موجبات انجام اوامر و خودداری از آنچه نهی نموده

12 // حاسبوا ان تحاسبوا

است را مهیا نساختند، به همین دلیل:

﴿فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ﴾ آنها را به سبب
آن، فراموش کنندگان خودشان قرار
می‌دهد تا آنجا که آنچه به آنها سود
می‌رساند را نمی‌شوند و آنچه آنها را
نجات می‌دهد را انجام نمی‌دهند و در
روز قیامت ترسهای آن، آنان را از یاد
جانهایشان باز می‌دارد و آنها را
حیران و سرگردان قرار می‌دهد، ﴿يَوْمَ

حاسبوا ان تحاسبوا//13

تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ
وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى
النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ
عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ [الحج: 2] (روزی
که آن را در حالتی می بینی که هر شیر
دهی، آنچه را که شیر می دهد، رها
می سازد و هر حامله ای آنچه را که در
شکم دارد، سقط می کند و مردم را
مست می بینی در حالی که مست
نیستند و ای [از روی آن است که]
عذاب الله [متعال] شدید است).

* یکی از پیشینیان گفته است:
«کوشش تو در آنچه تو را مورد فتنه
قرار می‌دهد و کوتاهی تو در آنچه که
از تو خواسته شده است، دلیلی بر کور
بودن بصیرتت بر آن است».

آن را به پایه‌ی دارند و آنها را
هلاک می‌کند، بخ چیزی که راه الله
تعالی نمی‌باشد، ارزش می‌دهند و در
نتیجه او عَلَيْكُمْ آنها را ذلیل می‌نماید.

حاسبوا ان تحاسبوا//15

آرزوهای آنها درباره‌ی آن زیاد می‌شود و عمر نمودن زیاد را دوست می‌دارند و مرگ و آنچه بعد از آن از ترس و هراس که وجود دارد را فراموش می‌کنند. در آرزوی خود ناامید می‌شوند و کوشش آنها فنا می‌شود و در دنیا زیانکار می‌شوند و آخرت را درک نمی‌کنند.

وإِلَى الدُّنْيَا الدُّنْيَا ۗ

وَتَبَوَّأُوا الرُّتَبَ الْعَلِيَّ ۗ

إِذَا غُرُوا بِهَا

صـرعتهم أيد المنى هـ

برادر در راه الله:

کسی که از نفسش غافل شود،
زمان او به هدر می‌رود، سپس
حسرت‌هایش شدت می‌یابد و چه
حسرتی بزرگتر از این برای بنده
وجود دارد که عمرش بر علیه او قرار
گیرد و روزهای او هیزمی شود برای

حاسبوا ان تحاسبوا//17

زیاد شدن بدی و بدبختی وی؟!
زمان و گذشت آن برای کسانی
که ادب می آموزند، خیرخواهی می کند
و دهر با حادثه های کوبنده ی آن
سخنگویان را آگاه می سازد و با بیدار
نمودن توسط آن، هشیار می شوند و با
الفاظ آن درس می گیرند... در اثر
آمده است: «چهار چیز از بدبختی
است: خشک شدن اشک چشم،
قسوت قلب، زیاد شدن آرزو و
حریص بودن شخص برای دنیا».

برادر در راه الله:

آیا مرگ، سختی‌ها، شدت ترس
آن، بلاها و شدت هراس روح از
آن را یاد نموده‌ای؟ مرگ همان گونه
که گفته شده است: «سخت‌تر از
ضربه‌ی شمشیر و با اره نصف شدن و
با قیچی تکه تکه شدن است»، ای
کسی که درباره‌ی مرگ و سختی آن و
دشواری جام آن و تلخی آن فریب

حاسبوا ان تحاسبوا//19

خورده‌ای! آیا وعده‌ای راستین‌تر از مرگ و حکمی عادلتر از آن وجود دارد... برای زخم خوردن قلبها و گریه کردن چشمها و جدا شدن از جماعتها و از بین رفتن لذتها و قطع شدن آرزوها، مرگ کافی است. ای فرزند آدم آیا به روز بازگشتت و انتقال به منزلگاهت فکر نموده‌ای؟ وقتی که از گشادگی به تنگی انتقال می‌یابی و دوست و رفیق را رها می‌سازی و از برادر و دوست مورد

20 // حاسبوا ان تحاسبوا

اعتمادت دور می شوی، جای خواب و
محل سکونتت از تو گرفته می شود و
در قبر قرار می گیری و بعد از نرهِ ی
رختخوابت بر خاک قرار می گیری!
ای کسی که مال جمع می کنی و
در ساختن [دنیا] تلاش می کنی، مالی
برای تو باقی نمی ماند، مگر دو کفن و
قسم به الله، آن خراب شدن و رفتن
است و جسمت برای خاک و قبرت

حاسبوا ان تحاسبوا//21

می ماند، پس آن مالی که جمع نموده -
ای کجا خواهد بود؟ آیا تو را از ترس
ایمن می سازد؟ هرگز، بلکه آن را
برای کسی باقی می گذاری که از تو
تشکر نمی کند و با بار گناهت به
جایی می روی که عذر تو قبول نمی -
شود.

در نتیجه، کسی که مرگِ هلاکت
او و خاکِ رختخواب او و کرمِ همراه
او و نکیر و منکرِ همنشین او و قبر
محل او و درون زمین محل استقرار او

و قیامت وعده گاه او و بهشت یا جهنم
محل ورود وی می باشد، آیا شایسته
می باشد تا فقط فکر او درباره ی آن
مرگ باشد و خود را برای چیزی
غیر از آن آماده کند؟

حسن بصری رحمه الله گفته
است: «مرگ دنیا را ننگین کرده است
و برای صاحب خردی آن را شاد
نگذاشته است. اگر قلب بنده دائماً

حاسبوا ان تحاسبوا//23

مرگ را یاد نماید، جز این نیست که دنیا در چشمش کوچک می شود و تمامی آنچه در آن است برایش بی ارزش می شود».

ابن مطیع روزی به خانه اش نگاه کرد و نیکویی آن او را به شگفت انداخت، سپس گریه کرد و گفت: «اگر مرگ نبود با تو شادمان می گشتم و اگر بازگشت ما به تنگی قبر نبود، دنیا نور چشم من می شد».

عمر بن عبد العزیز گفته است:

«آیا نمی بینید که شما هر صبح و شب
به سوی الله عز وجل خود حرکت می کنید؟
آن [جسم] را در زیر زمین قرار می -
دهید و خاک بر آن ریخته می شود و
دوستان باز می گردند و اسباب قطع
می شود».

برادر در راه الله:

وقتی در پیشگاه بنده‌ی فقیر،
چیزی جز سختی مرگ، مانند بلا،

حاسبوا ان تحاسبوا//25

ترس و عذاب وجود دارد، شایسته است تا او زندگی خود را تیره دارد و خوشحالی آن برایش بی‌ارزش شود و بی‌خبری و غفلت از آن، از وی جدا شود. حق آن است که درباره‌ی آن زمان تفکر زیادی صورت گیرد و آماده شدن برای آن را بزرگ شماره شده شود و در برابر نفسش باز ایستد تا آن را بر چیز بی‌ارزش که به دنبال آن می‌رود، مورد محاسبه قرار دهد. آن چیزی است که مرگ جلوی آن را

می‌گیرد، همان گونه که گفته شده است: «بلا به دست کسی غیر از تو می‌باشد و نمی‌دانی چه زمانی تو را در بر می‌گیرد».

عایشه رضی الله عنها گفته است:
در دست رسول الله ﷺ ظرف آبی بود و دست مبارک خود را در آن می‌فرمود و آن را بر صورتش می‌مالید و می‌-
فرمود: «لا إله إلا الله، إنَّ للموت

حاسبوا ان تحاسبوا//27

لسكرات» (ه بیچ پرستش شوندهی
برحقى جز الله وجود ندارد، همانا
برای مرگ سختی‌هایی وجود دارد)
سپس او صلى الله عليه وسلم با دستش به سوی آسمان
اشاره می‌نمود و می‌فرمود: «فی
الرفیق الأعلى» (در رفیق اعلی) تا آن
که قبض روح شد و دستش افتاد.
بخاری (بخارایی)

این حال رسول الله صلى الله عليه وسلم بود، با
وجود والایی منزلتش و عظمت
ارزشش و بزرگی شرفش و بالا بودن

مقامش در نزد پادشاه سبحان و
مقدس وضع او این چنین بود. او
محبوب‌ترین مخلوق برای الله تعالی
بود. ولی بالین وجود در شدت و
سختی و بلای مرگ که الله تعالی از
آن آگاه است، گرفتار شد. پس حال
تو چگونه خواهد بود، ای کسی که به
مراتب دارای منزلت پایین‌تری هستی -
باشی؟!!

حاسبوا ان تحاسبوا//29

بر ماست که تمام عمرمان را
برای آنچه در زمان مرگ اتفاق می‌افتد،
گریه کنیم و از الله تعالی
درخواست عافیت نماییم.

برای مرگ، سن معلوم، زمان
مشخص و بیماری حتمی وجود ندارد
و به همین دلیل بر شخص واجب
است تا خود را برای آن آماده نماید.
یکی از صالحان شبها به اطراف مدینه
می‌رفت و ندا می‌داد: «سفر، سفر»
وقتی وفات نمود، امیر مدینه صدای او

30 // حاسبوا ان تحاسبوا

را نشنید و درباره‌ی او سوال نمود. به
او گفته شد: او وفات نموده است. او
گفت:

ما زال يلهج بالرحيل وذکره

حتى أنـاخ برحله الجمال

أصابه متيقظاً مـ تشمّ رراً

ذا أهبة لم تـ له الآمال

* یزید الرقاشی به خودش می -

حاسبوا ان تحاسبوا//31

گفت: «وای بر تو ای یزید! چه کسی
بعد از مرگ به جای تو نماز می-
خواند؟ چه کسی بعد از مرگ به جای
تو روزه می‌گیرد؟ چه کسی بعد از
مرگ به جای تو پروردگارت را
راضی می‌کند؟» سپس در بین مردم
ندا می‌داد:

«ای مردم! آیا در باقی زندگی-
تان، برای خودتان گریه نمی‌کنید و
غمسار نمی‌باشید؟ کسی که مرگ در
طلب او و قبر خانه‌ی او و خاک

رختخواب او و کرم همراه او باشد و با تمامی این موارد منتظر ترس بزرگ (قیامت) باشد، حال او چگونه خواهد بود؟» سپس گریه می‌کرد و غش کرده و می‌افتاد.

برادر مسلمان:

آیا قبر، تاریکی آن، تنگی آن و وحشت آن را یاد نموده‌ای؟ آیا مکانی تنگی را یاد نموده‌ای که جسد مرده را

حاسبوا ان تحاسبوا//33

از بزرگ و کوچک، فهمیده و نادان و صالح و ناخلف را می‌فشرد؟ قبر باغی از باغهای بهشت یا حفره‌ای از حفره - های جهنم است و سرزمین بزرگی و خوشبختی یا سرزمین اهانت و بدبختی است. چه عجیب هستند، اهل نافرمانی و گناه! چگونه است که بر گناهان اصرار دارند و از آن خودداری نمی‌کنند، در حالی که می - دانند، بازگشت آنها به سوی قبر است؟! سپس چه عجیب هستند، اهل

غفلت و کوتاهی! چگونه از غفلت
خود هشیار نمی‌شوند و برای سفر
دور بیدار نمی‌شوند، در حالی که آنها
می‌دانند فردا در زیر سنگ لحد مقیم
خواهند بود؟!

برادره:

آیا اولین شب در قبر را یاد
نموده‌ای؟! وقتی که همراه تو همنشین،
دوست مورد اعتماد، رفیق، همسر،

حاسبوا ان تحاسبوا//35

فرزند، فامیل، یاور و خانواده‌ای وجود ندارد: ﴿ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۗ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ [الأنعام: 62] (سپس به سوی الله، مولایشان باز گردانده می‌شوند، آگاه باشید که حکم برای او است و او سریعترین حسابرس است).

فارقـت ۞ موضع مرقـدی

یوم ۞ أفـفارقنی السـکون

القـبـر أول لیلـة

بِاللّٰهِ قُلْ لِي مَا يَكُونُ؟

* وقتی علی رضی الله عنه از صفین

برگشت و بر قبرها حاضر شد، گفت:

«ای اهل دیار وحشت و مکان

پریشانی و قبرهای تاریک! ای اهل

خاک! ای اهل غربت! ای اهل

وحشت! شما قبل از ما رفتید و ما به

شما ملحق خواهیم شد، اما سرزمین‌ها

حاسبوا ان تحاسبوا//37

آرامش دارد و همسرها به ازدواج در
آمده‌اند و مالها تقسیم شده است، این
خبری از ما است، از شما چه خبر؟!».
سپس رو به اصحابش کرد و
گفت: «اگر به آنها اجازه‌ی سخن
گفتن داده می‌شد، به شما خبر می‌-
دادند که بهترین توشه تقوا است.».

* عمر بن عبد العزيز رحمه الله
به یکی از همنشینانش گفت: «... ای
فلانی! امشب بیدار ماندم و درباره‌ی
قبر و ساکنین آن تفکر نمودم. تو اگر

مرده را بعد از سه روز در قبرش
ببینی، بعد از تمام زمانی که با او انس
گرفته بودی از او خواهی ترسی، اگر
خانه‌ای را ببینی که خزندگان در آن
جولان می‌دهند و ناله کردن در آن
جاری شده است و کرمها آن را پاره
پاره می‌کنند و همراه با تغییر بو و
بدون کفن و تمامی اینها بعد از
نیکویی هیئت و بوی خوب و تمیزی

حاسبوا ان تحاسبوا//39

لباس باشند [خواهی ترسی]».».

* فضیل بن عیاض رحمه الله

گفته است: مردی را دیدم که گریه

می کرد، گفتم: چه چیز تو را به گریه

انداخته است؟ گفت: سخن او مرا به

گریه انداخته است. او کیست؟ گفت:

ما در کنار قبرها ایستاده بودیم که

سرود:

40 // حاسبوا ان تحاسبوا

ت القبور فساءلتها.

نزد قبرها آمدم و از او و پرسیدم

المعظم والمحقق.

است کسی که بزرگ شمرده شده است و یا کوچک

شمرده شده است؟

المذلل بس لطانه.

کجاست کسی که با قدرتش ذلیل می‌گردد

القوی علی ما قدر.

کجاست کسی که بر توانایی‌اش قدرت دارد

حاسبوا ان تحاسبوا//41

توا جميعا فما مخبر.

همگی فنا شدند و خبر دهنده‌ای نما

توا جميعا ومات الخبر.

همگی مردند و خبر نیزم

سائلی عن أناس مضوا.

پس ای کسی که از مردم گذشته سوال می‌کن

لک فیما مضی معتبر.

آیا از چیزی که گذشته است، درس گرفت

ح وتغدو بذاک الثری.

در آن خاک شب و صبح می‌نما

محی محاسن تلک الصور.

و زیبایی‌های آن صورت‌ها، محو شده اس

برادر در راه الله:

آیا آمده شدن در صور و

برانگیخته شدن روز نشور و پخش

شدن نامه‌های اعمال و عرضه شدن به

الله مسلط و سوال از کوچک و بزرگ

و قرار گرفتن ترازو برای سنجش

حاسبوا ان تحاسبوا//43

ارزشها، سپس عبور از پل صراط، سپس انتظار ندا دادن برای پلیمان یافتن حکم را یاد نموده‌ای که بعد از آن گروهی خوشبخت و گروهی بدبخت خواهند بود.

برای خودت تصور کن که از قبرت، از شدت صاعقه مبهوت برانگیخته می‌شوی، چشمانت برای ندا داده شدن، خیره هستند، مردم همگی به صورت واحد در حالی که از شدت دمیدن در صور هراسان هستند، به

یکباره برانگیخته می‌شوند، با ذلیلی و
خواری می‌ایستند، منتظر هستند تا
برای آنها حکم صادر شود، حال تو و
حال قلبت چگونه خواهد بود؟ قلبها
پاره پاره شده و چشمها خیره شده و
گردانها کج شده است. پس ای فقیه را!
در طولانی بودن آن روز و شدت
انتظار در آن و خجالت و حیایابی که
در پیشگاه پروردگار مسلط جلّ

حاسبوا ان تحاسبوا//45

جلاله ایجاد می شود، تفکر نما! سپس
بنگر که برانگیخته شدن به صورت
لخت و ختنه نکرده، چگونه خواهد
بود؟! زمینی سفید، هموار و بدون
پستی و بلندی... رسول الله ﷺ فرموده
است: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى
أَرْضٍ بِيضَاءِ عَفْرَاءٍ كَقُرْصِ النَّقِيِّ لَيْسَ
فِيهَا مَعْلَمٌ لِأَحَدٍ» (مردم در روز قیامت
در زمینی سفید و هموار به مانند
قرصی پاک برانگیخته خواهند شد و
در آن برای هیچ کس علامت و

راهنمایی وجود ندارد) متفق علیه.

الله تعالی می فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ

الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا * وَنَسُوقُ

الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًا﴾ [مریم: 85

، 86] (روزی که پرهیزگاران را

سواره و با گرامی داشت و شوکت به

سوی [الله] بسیار رحمت کننده حشر

می نماییم * و مجرمان را تشنه به

سوی آتش جهنم روانه می سازیم).

حاسبوا ان تحاسبوا//47

علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است:
«قسم به الله، بر روی پاهایشان
محشور می شوند ولی بر روی سواری
آنها طلا می باشد و زین اسبهایشان
یاقوت است، اگر دوست داشته باشند،
راه می رود و اگر دوست داشته باشند،
پرواز می کند».

ولی مجرمان تشنه گذاشته می -
شوند، از شدت تشنگی گردنهای آنها
پاره پاره می شود، ولی آب به آنها
داده نمی شود، بلکه به سوی جهنم و

آتش آن و آب داغ آن فرستاده می -

شوند، الله تعالی می فرماید:

﴿وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ

عُمِيًّا وَبِكُمًّا وَصَمًّا مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا

خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ [الإسراء: 97]

(آنها را در روز قیامت، بر روی

چهره‌هایشان، کور و کر و لال محشور

می گردانیم، جایگاه آنها جهنم است.

هرگاه [زبانهای آتش] فروکش کند،

برای آنها آن را می‌افزاییم).

ای برادر مسلمانم:

آیا زمان آن نرسیده است که
حقیقت این سرزمین را بشناسی؟ لین
سرزمین زندگی‌اش سخت و نعمت آن
امتحان و پادشاهی آن فنا شدنی و
دوست داشتن آن قطع شدنی و خیر
آن جدا شدنی است، کسانی که به آن
متعلق هستند در ترس می‌باشند،
گاهی برای نعمتی از دست رفتنی یا
بلایی نازل شدنی یا مرگی حکم

شدنی، ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾
[غافر: 39] (ای قوم من! این زندگی
دنیوی فقط کالایی است و آخرت
همان سرزمین باقی ماندن است)...

عمر کوتاه و سفر طولانی و
توشه کم و خطر نزدیک و بزرگ
است. شخص بین دو حالت می باشد:
حالتی که گذشته است و شخص

حاسبوا ان تحاسبوا//51

نمی‌داند الله تعالی درباره‌ی آن چه کار می‌نماید و زمان مرگی که باقی مانده است و شخص نمی‌داند، الله تعالی درباره‌ی آن چه حکمی صادر می‌کند.

ای برادر عزیزم! وقتی امر این گونه است، بر صاحب بینش است که برای خودش توشه فراهم آورد و از زندگی‌اش برای مرگش و از جوانی‌اش برای پیری‌اش و از سلامتی‌اش برای مریضی‌اش و از اوقات فراغتش برای زمان مشغولیتش و از

ثروتمندی‌اش برای فقیری‌اش استفاده
کند. بعد از مرگ بازگشت و جبرانی
وجود نخواهد داشت و بعد از دنیا غیر
از بهشت و جهنم نخواهد بود. کسی
که رابطه‌ای که بین او بین پروردگارش
وجود دارد را اصلاح کند،
پروردگارش برای آنچه بین او بین
مردم است، برای او کافی خواهد بود،
کسی که در پنهان راستگو و در

حاسبوا ان تحاسبوا//53

آشکار نیکوکار است و کسی که برای آخرت عمل نماید، الله تعالی برای امر دنیای او کافی خواهد بود. گریزی نیست که باید محاسبه نمود، محاسبه - ای صادقانه برای عمل! بر توست ای بنده‌ی الله که دربارهی آنچه از دست رفتنی است و هنوز باقی مانده است، خودت را آماده کنی و در زمان و روزگارت زندگی کنی و مشغول حسرت و پشیمانی از انجام ندادن عمل نشوی. بدان که اگر آنچه را که

باقی مانده است، اصلاح کنی از آنچه گذشته است، آمرزیده می شوی و کسی که در آنچه باقی مانده است، بدی کند به واسطه‌ی آنچه گذشته است و باقی مانده است، مؤاخذه می شود. مرگ در یک لحظه به سراغ تو می آید، پس هر لحظه و هر نفس را با ارزش بدان! روزها گذران است و نفس‌ها تمام شدنی و اعمال صالح

حاسبوا ان تحاسبوا//55

همان سرمایه است و تجارت سودمند
نتیجه‌اش بهشت و ورشکستگی آتشی
است که زبانه می‌کشد، کسی در آن
داخل و برشته نمی‌شود، مگر شقی -
ترین افراد، پس خودت را مورد
محاسبه قرار بده!

ای برادر مسلمان عزیزه:

آیا روزی شده است که با
خودت خلوت کنی و آن را از آنچه به
آن مبادرت نموده است شامل سخنان
و عملها مورد محاسبه قرار دهی؟ آیا

روزی کوشش نموده‌ای که بدیها و لغزشها و گناهانت را بشماری همان طور که نیکی‌هلیت را هم بشماری؟ بلکه آیا روزی درباره‌ی اطاعتی که انجام می‌دهی و به آن افتخار می‌کنی تأمل نموده‌ای و آن را در حالی بیابی که با ریا، خودستایی و انگیزه‌های نفسانی آلوده شده باشد؟ چگونه بر این حالت و راهت صبر می‌نمایی که

حاسبوا ان تحاسبوا//57

با سختی‌ها و خطرهای پوشانده شده
است؟! چگونه در پیشگاه الله تعالی
حاضر می‌شوی در حالی که بار
سنگین گناه بر دوش داری؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا
قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: 18] (ای کسانی که

ایمان آورده‌اید! از الله بترسید و تقوا
پیشه کنید! و شخص بنگرد که برای
فردای خود چه فرستاده است و از الله

بترسید و تقوا پیشه کنید که الله از آنچه انجام می‌دهید، بسیار با خبر است).

پیامبر ﷺ فرموده است: «لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامة حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيما أفناه وعن شبابه فيما أبلاه، وماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وماذا عمل فيما علم» (فرزند آدم در روز قیامت قدمی

حاسبوا ان تحاسبوا//59

بر نمی‌دارد، مگر آن که از پنج چیز
مورد سوال واقع می‌شود: عمرش را
در چه فنا نموده است و جوانی‌اش را
در چه گذرانده است و مالش را از
کجا بدست آورده است و در چه
خرج نموده است و درباره‌ی آنچه
می‌دانسته است، چه عملی انجام داده
است). ترمذی و آلبانی آن را در
صحیح الجامع حسن دانسته است.

عمر بن خطاب رضی الله عنه گفته است:

«خودتان را مورد محاسبه قرار دهید،

قبل از آن که مورد محاسبه قرار
بگیرید و آن را بسنجید قبل از آن که
سنجیده شود.»

در روایتی آمده است:
«...اعمالتان را بسنجید قبل از آن که
فردا در حساب و کتاب برای شما
سنجیده شود و امروز خود را مورد
محاسبه قرار دهید و خودتان را برای
عرضه شدن بزرگتر زینت دهید،

حاسبوا ان تحاسبوا//61

﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: 18] (در آن روز پیش آورده می‌شوید و از [اعمال] شما هیچ پنهان شده‌ای پنهان نمی‌ماند)». ترمذی در صفة القيامة و گفته است: حدیثی حسن است.

شایسته‌ی توست که در لین ایستگاه توقف نمایی و با این محاسبه خودت را مورد محاسبه قرار دهی؛ بعد از دنیا، سرزمینی نخواهد بود، مگر بهشت یا آتش جهنم. کسی که در پی

دنیا است به مانند کسی است که از
آب دریا می نوشد، هر چه بیشتر می -
نوشد، بیشتر تشنه می شود تا آنجا که
او را می کشد. اگر طمعکار دربارهی
عاقبت دنیا فکر کند، قانع می شود و
اگر بدانت چه بر سر مالش می آید، از
آن سیر می شود. شما از جوانی به
پیری و سلامتی به بیماری و از وجود
به عدم می رسید. میمون بن مهران

گفته است:

«ای جماعت پیرمردان! اگر
زراعت زرد شود، چه کار می‌نمایید؟
گفتند: آن را درو می‌کنیم، نگاهی به
جوانان انداخت و گفت: زراعت قبل
از آن که درو شود، آفت به آن می‌رسد
و برای جوانان زشت است که
توبه را عقب بیاندازند و از آن
زشت‌تر این است که پیران آن را به
عقب بیاندازند.»

از زمان سلامتی‌ات برای زمان

مريضی و از اوقات فراغت برای
زمان مشغولیت و از زندگی ات برای
مرگت استفاده کن و در دنیا به مانند
غریبه و رهگذر باش! وقتی صبح
نمودی منتظر شب نباش و وقتی شب
نمودی منتظر صبح نباش! به خودت
بگو:

یا نفس و یحک ساعدینی

حاسبوا ان تحاسبوا//65

بسعی منک فی ظلم الیاء

ک فی القیامه أن تفوزی

بطیب العیش فی تلک العلال

* عمر بن الخطاب رضی الله عنه برای

یکی از زیردستانش نوشت: «خودت

را در راحتی مورد حساب و کتاب

قرار بده قبل از آن که در شدت مورد

حساب و کتاب قرار گیری، در این

صورت امر آن، با رضایتمندی و غبطه

خواهد بود و کسی که زندگی اش او را

غافل سازد و هوای او خود را به خود

مشغول نمید، امر او پشیمانی و حسرت خواهد بود».

* حسن بصری رحمه الله گفته

است: «مؤمنی را نمی یابید مگر آن که

خودش را مورد محاسبه قرار می دهد:

بر چه عمل می کنی؟ برای چه می -

خوری؟ برای چه می نوشی؟ وای

فاجر زمان او می گذرد و خودش را

مورد محاسبه قرار نمی دهد».

حاسبوا ان تحاسبوا//67

* همچنین گفته است: «بنده دائماً بر خیر خواهد بود تا زمانی که خودش را نصیحت کند و کوشش او محاسبه‌ی [نفس] باشد».

* همچنین گفته است: مؤمن برپای دارنده‌ی نفسش است، برای الله [تعالی] خودش را مورد محاسبه قرار می‌دهد و فقط در روز قیامت حساب و کتاب برای گروهی آسان خواهد بود که خودشان را در دنیا مورد حساب و کتاب قرار داده‌اند و حساب

و کتاب فقط برای گروهی سخت خواهد بود که از این امر کوتاهی کرده باشند و [خود را] مورد محاسبه قرار نداده باشند... مؤمنان گروهی هستند که در برابر قرآن توقف می‌کنند و آن بین آنها و بین هلاکت آنها واقع می‌شود. مؤمنان اسیری در دنیا است و کوشش می‌کند تا خود را آزاد کند و چیزی او را ایمن نمی‌دارد تا آن که به

حاسبوا ان تحاسبوا//69

دیدار الله [تعالی] برسد. ه می داند از آنچه در گوش و در چشم و در زبان و در اعضای بدن او وجود دارد، مورد مؤاخذه قرار می گیرد و برای تمامی آنها مورد مؤاخذه قرار می گیرد».

* میمون بن مهران گفته است:

«بنده متقی نمی شود، تا آن که شدیدتر از محاسبه‌ی شریک برای شریک، نفسش را مورد محاسبه قرار دهد، به همین دلیل گفته شده است: نفس مانند شریک خیانتکار است، اگر او را مورد

محاسبه قرار ندهی، مالت می رود».

* مالک بن دینار گفته است:

«الله [تعالی] بندهای را مورد رحمت

خود قرار دهد که به نفسش می گوید:

آیا انجام دهندهی آن کار نبوده‌ای؟ آیا

انجام دهندهی این کار نبوده‌ای؟ سپس

آن را مورد نکوهش قرار می دهد،

سپس او را افسار می زند و بعد از آن،

آن را همراه کتاب الله عزَّ وَّجَلَّ هـ ی -

حاسبوا ان تحاسبوا//71

گرداند و آن برای او رهبری می شود».

* أحنف بن قیس رضی الله عنه به نزد

چراغ می رفت و انگشتش را در آن

قرار می داد و می گفت: ای حنیف!

حس می کنی؟ چه برای تو خواهد بود

برای آن که روزی آن کار را انجام

دادی؟ چه برای تو خواهد بود برای

آن که روزی آن کار را انجام دادی؟

بنگر - ای کسی که الله تعالی تو

را حفظ کند - چگونه بوده است حال

آن قوم در عمل و کوشش و شدت

محاسبه‌ی نفس! بعد به حال ما بنگر!
شناخت آن تو را از سخن گفتن، بی-
نیاز می‌کند! آیا به آنها اقتدا نموده‌ایم؟!
محاسبهٔ نفس آن گونه که ابن
قیم رحمه الله آن را بیان داشته است،
این گونه می‌باشد:

اول: با واجبات بلیه شروع
نمود، اگر در آنها کوتاهی دیده می-
شود، باید به آنها مبادرت صورت

حاسبوا ان تحاسبوا//73

گیرد.

دوم: اموری که نهی شده است، اگر فهمیده شد که به یکی از آنها ارتکاب صورت گرفته است، مبادرت به توبه، استغفار، بازگشت [به سوی الله تعالی] و کارهای نیکی که باعث محو شدن گناهان می شود، صورت گیرد.

سوم: نفس برای غفلت و رویگردانی مورد محاسبه قرار گیرد و آن با مبادرت نمودن به ذکر و یاد [الله

74 // حاسبوا ان تحاسبوا

تعالی] و با روی کردن به سوی الله
تعالی، اصلاح می شود.

چهارم: محاسبه‌ی نفس بر
حرکت‌های اعضای بدن: سخن گفتن
زبان، راه رفتن پاها، نگاه چشم و
شنیدن گوش، برای چه آن راهی -
خواهی؟ برای چه آن کار را انجام
دادی؟ و به چه شکل آن را انجام
دادی؟

برادر گرامی‌ها:

بدان! - الله تعالى من و تو را
مورد رحمت خود قرار دهد -
محاسبه‌ی نفس کاری دشوار برای آن
می‌باشد و بازدارنده‌های بسیاری دارد،
ولی در اینجا اموری بیان می‌شود که
به این محاسبه‌ی نفس کمک می‌کند و
انجام آن را قوی‌تر می‌نماید و
مهمترین‌ها آن:

1- حس نمودن آن که الله تعالی

بنده را زیر نظر دارد و از کارهای

پنهانی او آگاه است. وقتی بنده به این امر آگاه می‌شود، از غفلت بیدار می‌شود و از خواب بر می‌خیزد و اراده‌ی او برای محاسبه‌ی نفس و کوشش نمودن درباره‌ی آن قوی می‌شود.

2- بنده بداند که کوشش او برای محاسبه‌ی نفس در امروز باعث راحتی او در فردا می‌گردد و هر آنچه امروز در آن کوتاهی ورزد، باعث

حاسبوا ان تحاسبوا 77

می شود تا فردا حساب و کتاب برای او سخت شود.

3- حساب و کتاب بزرگتر و

سوال شدن از وی در پیشگاه الله مسلط جلّ جلاله در روز قیامت را یاد کند. وقتی بنده دانست که او در پیشگاه الله تعالی مورد سوال قرار می گیرد، بر او واجب است تا برای هر سوالی، جوابی آماده کند و در اینجا است که شدت محاسبه‌ی نفسش بیشتر می شود.

4- بنده بداند که نفع محاسبه‌ی
نفس و زیر نظر گرفتن آن، همان
سکونت در فردوس و نگاه کردن به
صورت پروردگار سبحانه و مجاورت
با پیامبران، صالحان و اهل فضیلت
است.

5- نگریسته شود که در ترک
محاسبه‌ی نفس، هلاکت، ویرانی،
داخل آتش جهنم شدن و ندیدن

حاسبوا ان تحاسبوا//79

پروردگار سبحانه و تعالی و مجاورت
با اهل کفر، گمراهی و خباثت است.

6- همنشینی با انسانهای اهل

خیر، کسانی که نفس خود را مورد

محاسبه قرار می دهند و از عیب و

نفس مطلع هستند و ترک همنشینی با

کسانی که از آن فاصله گرفته اند.

7- نگرستن به سه پیره‌ی

مصطفی ﷺ و صحابه‌ی وی ﷺ و

شناخت اوضاع و راه اهل محاسبه‌ی

نفس و زیر نظر گرفتن پیشینیان صالح

ما.

8- به دیدار قبرها رفتن و تفکر نمودن به حال مردگان، همان کسانی که نمی‌توانند خودشان را مور محاسبه قرار دهند و از آنچه از دست داده‌اند، نمی‌توانند مبادرت به کاری نمایند.

9- حاضر شدن در مجالس علم، پند و یادآوری؛ زیرا آن به سوی محاسبه‌ی نفس دعوت می‌دهد.

حاسبوا ان تحاسبوا//81

10- نماز شب و خواندن قرآن

و تقرب جستن به الله تعالى با انواع طاعات.

11- دوری از مکانهای لهو و

غفلت، زی را حضور در این مکانها باعث فراموش کردن محاسبه‌ی نفس توسط انسان می‌شود.

12- ذکر و یاد الله تعالى و دعا

نمودن از وی که ما را از اهل محاسبه‌ی نفس قرار دهد.

برادران در راه الله:

کسی که خود را مشغول اموری نماید که در قبل آمد، با فضل الله تعالی میوه‌هایی که نتیجه‌ی محاسبه‌ی نفس است را خواهد چید، چه در دنیا و چه در آخرت... فلید ده‌های محاسبه‌ی نفس بسیار زیاد می‌باشند، ولی بر حسب مثال تعدادی از آنها، این موارد هستند:

1- مطلع شدن از عیب‌های

حاسبوا ان تحاسبوا//83

نفس. تا زمانی که از عیب نفس اطلاع حاصل نشود، بر طرف کردن آن ممکن نمی‌باشد.

2- توبه و پشیمانی و مبادرت نمودن برای جبران چیزهای از دست رفته در حد امکان.

3- شناخت حقّ الله تعالی. اصل در محاسبه‌ی نفس، محاسبه‌ی آن در کوتاهی در حق الله تعالی است.

4- کوچک شدن و فروتنی شخص در پیشگاه پروردگارش

تبارک و تعالیٰ.

5- خشم نمودن به نفس و پاک

کردن آن از به شگفت آمدن و ریا.

6- برگرداندن حق به اهل آن و

پاک شدن از پلیدی‌ها و پیدا کردن

اخلاق نیکو.

صلی الله علی نبینا محمد و علی

آله و صحبه و سلم تسلیماً کثیراً.